

ماجرای نیمروز تالار شیشه‌ای را سهامداران شرکت خاص رقم زدند یا کارگزاران؟!



روز گذشته تعدادی از سهامداران بازار سرمایه که گفته می‌شد سهامداران شرکت کنتورسازی ایران بودند نسبت به توقف یک‌ساله نماد معاملاتی این شرکت در بازار سرمایه اعتراض کردند و نظم شرکت بورس را برهم زدند، در این بین اگرچه رسوایی کنتورسازی قابل تأمل و بررسی است اما باید دید کارگزاری که صحنه کردانی رشد بهای این سهم کذایی را برعهده داشت در ماجرای دیروز دست داشته است یا خیر.

□ □ □

به گزارش «چون» ظهور روز گذشته تصاویری از اعتراض سهامداران در تالار حافظ منتشر شد که برخی علن این اعتراض را توقف یک‌ساله نماد معاملاتی شرکت مشکل‌دار کنتورسازی ایران معرفی کردند و برخی نیز وضعیت رکودی بازار را علت این اعتراض عنوان داشتند، اما هر چه که بود نشان از نارسایی‌هایی در بازار سرمایه دارد که به شکل بنیادین و ریشه‌ای باید مشکلات موجود در این بازار حل شود، در عین حال باید آگاه بود که برخی از کارگزاری‌ها و سفته‌بازان فعال روی رشد حساب‌گونه بهای سهام کنتورسازی با هدف فشار روی سازمان بورس اوراق بهادار یادادگاهی که پرونده کنتورسازی را در دست بررسی دارد، ماجرای نیم‌روز روز گذشته بازار سرمایه را سازماندهی نکرده باشند. هفته گذشته مدیرعامل فرابورس در رسانه ملی در رابطه با زمان حل مسئله شرکت کنتورسازی ایران و بازگشایی نماد گفت: بحث نماد کنتورسازی در حال پیگیری ر داد‌گاه است و منتظر رأی دادگاه هستیم و پیش از آن نمی‌توانیم اظهارنظر کنیم. در همین راستا شاهین چراغی کارشناس بازار سرمایه درباره نماد کنتورسازی اظهار داشت: سازمان بورس در بازگشایی نماد کنتور کوتاهی کرد و در ادامه مشکلاتی هم از سوی شرکت‌های کارگزاری و کارکنان شرکت‌های سرمایه‌گذاری یا کارگزاری با سازمان یا شرکت بورس رقم خورد. با توجه به این اظهارات علت بسته بودن نماد معاملاتی کنتورسازی طی یکسال اخیر مشخص است و قوانین مرتبط با بازار سرمایه تکلیف را مشخص کرده است که همانطور که گفته شد دستگاه قضایی پرونده مذکور را در دست بررسی دارد و از نظر قانونی، حقوقی و کیفری تقصیر مدیرعامل، هیئت مدیره و حسابرِس در تأیید صورت‌های موهوم مالی قابل بررسی است و جا داد مشخص شود چگونه سازمان بورس متوجه این صورت‌های مالی موهوم نشد که بررسی هم خواهد شد. بدین ترتیب خریدار و فروشنده سهام این شرکت خاص تقصیر نیستند زیرا در شرایطی اقدام به معامله کرده‌اند که نامداعمالاتی باز بوده و امکان معامله روی سهم وجود داشته است و معاملات نیز در هر روز از سوی ناظر مورد تأیید قرار گرفته است، بدین ترتیب قانون مسئول این رویدادها را مشخص خواهد کرد و اگر در سال سوم سهم ۱۰۰ تومان باز شد مسئولان این حادثه مشخص می‌شوند. در این بین برای اینکه ماجرای کنتورسازی و ازران فروش شرکت‌هایی چون بالاشگانه نفت تهران … و دیگر تکرار نشود و برای دستگاه قضایی و سهامداران هزینه‌تراشی نشود و اعتماد عمومی به بازار سرمایه کاهش پیدا نکند، سازمان بازرسی کل کشور باید فرایند شکل‌گیری رسوایی کنتور گیت را از زمان واگذاری شرکت کنتورسازی ایران در فرایند اجرائی اصل ۴۴ در اواخر دهر ۸۰ تا شناسایی سود موهوم توسط مدیرعامل و اعضای هیئت مدیره و تأیید آن از سوی حسابرِس مورد اعتمادسازمان بورس اوراق بهادار در سال ۹۵ که به توقف نماد و شکل‌گیری پرونده قضایی منجر شد، مورد بررسی قرار دهد. اینکه چرا در سال ۹۵ نماد شرکت کنتورسازی بازگشایی شد

یک سؤال بنیادین و مهم برای افکار عمومی است. آیا سازمان بورس اوراق بهادار به عنوان بازرس سهامیه به اطلاعات مورد تأیید حسابرِس معتمدش اتکا کرده و اقدام به بازگشایی نماد کرده است یا اینکه در آن برهه زمانی فشارهایی به سازمان بورس برای بازگشایی نماد وارد شده بود. در این بین بعد از ماجرای کنتورسازی و تأیید اطلاعات این شرکت توسط یک حسابرِس خصوصی مورد اطمینان سازمان بورس و وزارت اقتصاد، افکار عمومی نسبت به مؤسسات حسابرِسی بخش خصوصی بدبین شده‌اند، به‌طوری که سرمایه‌گذاران بورسی بیشتر رغبت دارند حسابرِس شرکتی که سهامش را می‌خواهند خریداری کنند حسابرِس دولتی باشند برای در ماجرای کنتورسازی چشم مردم از حسابرسان خصوصی مورد اطمینان سازمان بورس به شدت ترسیده‌است. از سوی دیگر سازمان بازرسی کل کشور جا دارد به حوزه کارگزاران بورسی هم ورودی داشته باشد و با رصد معاملات شرکت کنتور سازی به این مهم برسد که در این حوزه انحصاری چه می‌گذرد و کدام کارگزاری‌ها و کدام کدهای معاملاتی عمده معاملات کنتورسازی را انجام داده‌اند و کدام کارگزاری‌ها و اشخاص حقیقی و حقوقی بیشترین انفعال را از رشد بی‌دلیلی سهام کنتورسازی داشته‌اند.

■ **تعمیم اقرانامه پذیرش ریسک به تمامی بازار سرمایه**

در این بین باید توجه داشت که در بازار های سراسر دنیا ابتدا فردی که می‌خواهد وارد بازار بورس شود توجیه می‌شود که این بازار، بازار پیچیده برریسک و ریسوانی است و مسئولیت ضرر و زیان فرد در این بازار متوجه خود اوست، با این توجه و پذیرش ریسک توسط فرد سرمایه‌گذار در بازار دیگر مسئولیت سود و زیان متوجه فرد است، از این رو فردی که دانش و آگاهی لازم و کافی را برای سرمایه‌گذاری در بازار سرمایه ندارد، اصلا به این بازار ورود نمی‌کند و سرمایه‌اش را در بازارهای با ریسک و صندوق‌های سرمایه‌گذاری، ملک، طلا، ارز و… می‌برد. حال اگر چه با عملیاتی شدن مقوله امضای اقران‌نامه پذیرش ریسک در بازار پایه، سازمان بورس اوراق بهادار بخشی از سهامداران در بازار سرمایه ایران را متوجه ریسک موجود در خرید و فروش و معاملات سهام کرده است اما باید موضوع پذیرش ریسک به تمامی بازار سرمایه تعمیم یابد.

■ **نظارت همگانی**

بی‌شک در هر کشوری که نظارت عمومی جایگزین نظارت‌های و کالتی و نیابتی شده است در آن کشور شاهد کاهش فساد و تشدید سرعت رشد و پیشرفت بوده‌ایم، از آن‌رو همه مردم و سهامداران شرکت‌های بورسی و فرابورسی باید در نظارت بر عملکرد مسئولان و مدیران مشارکت کنند.

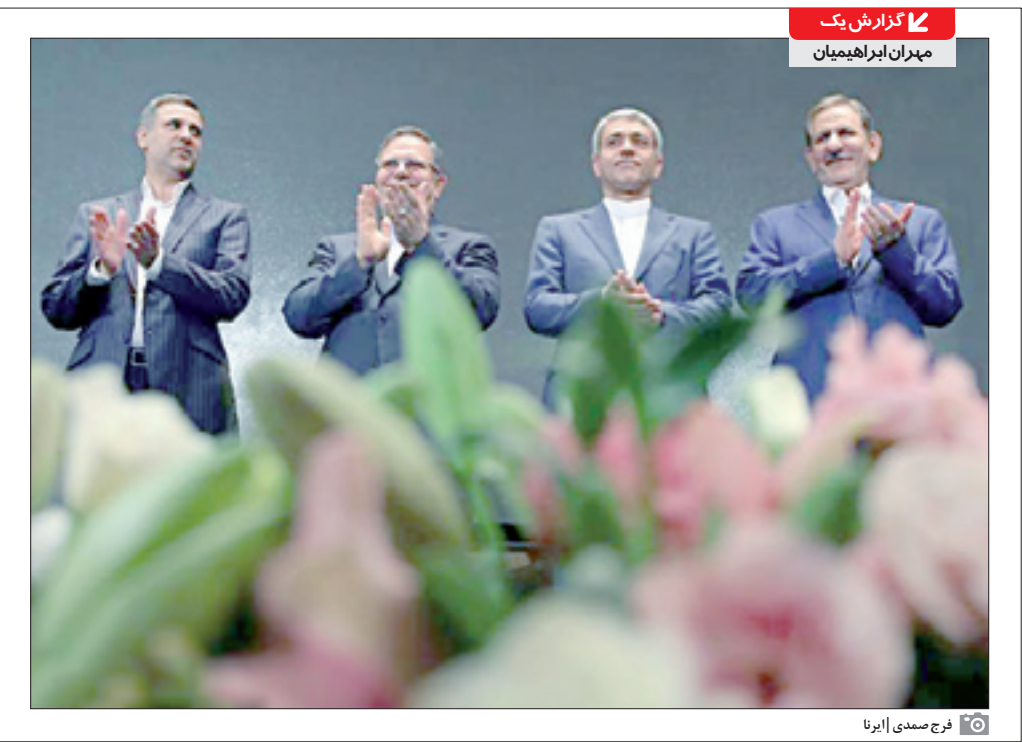
از سوی دیگر سازمان بورس اوراق بهادار بهتر است مقوله اقرار فر به پذیرش ریسک را به کل بازار سرمایه تعمیم دهد، در چنین حالتی مسئولیت سود و زیان با خود سرمایه‌گذار است. از این رو سرمایه‌گذاران ناآگاه وارد بازار سرمایه نمی‌شوند و افراد ناآگاهی هم که هم‌اکنون در بازار حضور دارند بازار را ترک می‌کنند. در این میان بساط پرونده‌سازی برای سهامداران خریدار و فروشنده از سوی برخی از کلا نیز در بازار برچیده می‌شود و دستگاه قضایی با این حجم از پرونده‌های تشکیل شده در بازار سرمایه رویه‌بر نمی‌شود و مقوله پرونده‌سازی برای سهامداران بازار سرمایه ایران تا حد زیادی به پایان می‌رسد.

اقتصاد بانرخ بالای سودبانکی دوام نمی‌آورد!

هشدار طیب‌نیا نسبت به آثار مخرب نرخ بالای سود بانکی

اقتصاد بانرخ بالای سودبانکی دوام نمی‌آورد!

معاون اول: نرخ رشد سرمایه‌گذاری در سال‌های اخیر به شدت کاهش یافته است

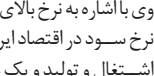


گزارش یک مصحرانابراهیمیان

فرخ صدی ایرانا

تصمیم‌سازان حوزه بازار پولی روز گذشته در بیست و هفتمین همایش سالانه سیاست‌های پولی و ارزی با عنوان ثبات مالی و بیست‌رشد اقتصادی پایدار گرد هم آمدند تا سوته‌دلان از وضعیت بحرانی اشتغال، حال خراب بانک‌ها، نقش مخرب سود بالای بانکی و نیاز و عطش اقتصاد به سرمایه‌های داخلی سخن بگویند که بانک‌ها مانند سد بزرگی مانع آب‌رسانی به آن هستند. وزیر اقتصاد ادامه داد: برای پایان دادن به این بانکی هشدار دادو آن را مانع مهم تولید و اشتغال دانست، معاون اول رئیس‌جمهوری از نرخ رشد منفی سرمایه‌گذاری و لزوم نقش آفرینی بانک‌ها برای رفع این معضل سخن گفت و مدیر امور پژوهشی پژوهشکده پولی و بانکی هم با استفاده از کلمات تندتری همانند کلام طیب‌نیا را به گونه‌ای دیگر چنین مطرح کرد: اقتصاد نمی‌تواند با نرخ سود بالای دوام بیابد

در عین حال سیف رئیس کل بانک مرکزی در تمام طول سخنرانی‌هایش سعی کرد تا یک جمله را تبیین کند: «مقصر من و بانک مرکزی نیستیم» ولی معاون اول در این باره گفت: نرخ منفی سرمایه‌گذاری مهم‌ترین چالش اقتصاد ایران است و اصلاح نظام بانکی در دولت دوازدهم عملیاتی می‌شود!



علی طیب‌نیا وزیر اقتصاد سا بیان اینکه

نرخ بالای سود بانکی یک عامل اقتصاد از اقتصاد ایران است، بر ضرورت ترک مشترک از

مخرب بودن نرخ سود بانکی تأکید کرد و خواستار برداشتن گام‌هایی عملی در جهت کاهش نرخ سود شد. وی با اشاره به نرخ بالای سود بانکی اظهار داشت: نرخ سود در اقتصاد ایران به یک منبع مهم برای اشتغال و تولید و یک عامل ثبات‌دار برای نظام بانکی تبدیل شده است.

وی با بیان اینکه نرخ کنونی سود بانکی هیچ

تناسبی با نرخ سرمایه‌گذاری‌های مولد و نرخ تورم ندارد، افزود: نرخ بالای سود، هزینه تأمین ثمن

بنگاه‌های اقتصادی را افزایش می‌دهد و از طرف دیگر، توان بازپرداخت تسهیلات را تقلیل می‌دهد. نرخ بالای سود منجر به کاهش سودآوری بانک‌ها، کاهش قدرت بازپرداخت تسهیلات، افزایش مطالبات غیر جاری و افزایش هزینه تجهیز منابع بانک‌هایی‌شود واین عوامل باعث می‌شود بانک‌ها در صورت‌های مالی خود، در آمده‌های موهوم شناسایی کنند.

وزیر اقتصاد با تأکید بر اینکه نرخ بالای سود، انگیزه سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد، تصریح کرد: رونق بخش مسکن و بازار سرمایه بدون کاهش بخش سود امکانپذیر نیست. با وجود تلاش‌های دولت برای توسعه بازار سرمایه و رشد پایدار اقتصادی، تا زمانی که الزامات نهادی و سیاستی برای کاهش نرخ سود بانکی تدوین و اجرایی نشود، تحقق این اهداف و تلاش‌ها امکانپذیر نخواهد بود.

■ **سود بالای بانکی ثبات فعلی را برهم خواهد زد**

وی با بیان اینکه در صورت عدم کاهش نرخ سود، ثبات فعلی اقتصاد هم لطمه خواهد دید، گفت: برای ایجاد هماهنگی سیاست‌های مالی و پولی

باید نهاد سیاستگذار مالی تشکیل شود تا به

درستی بین سیاست‌های پولی و سیاست‌های مالی هماهنگی به وجود آید، چراکه بسیاری از کشورها پس از تجربه چالش‌ها و بحران‌های اقتصادی، به ایجاد چنین نهادهایی مبادرت کردند.

طیب‌نیا ادامه داد: در گام اول پیشنهاد می‌شود با

ایجاد کمیته با ستاد هماهنگی بازار مالی، نیازهای

این بخش را برطرف کنیم و علاوه بر این نیاز است

روزنامه جوان | شماره ۵۱۲۶ | یکشنبه ۱۱ تیر ۱۳۹۶ | ۷ شوال ۱۴۲۸ |

سرویس اقتصادی ۸۸۴۹۸۴۳۹

اگرایی برین رشد نقدینگی و تورم به وجود آمده و ناترازی تراز نظام بانکی ناشی از دارایی‌های منجمد و سودهای موهوم است که باعث شده کیفیت نقدینگی تغییر کند و پیامد آن تغییر نسبت پول به شبه‌پول است.

وی ادامه داد: ناترازی تران‌نامه نظام بانکی از مسیر نرخ سود موجب افزایش نقدینگی شده و کاهش تورم را به دنبال داشته است.

مدیر امور پژوهشی پژوهشکده پولی و بانکی تأکید کرد: شتاب رشد بدهی‌ها ناشی از نرخ سود بالا بوده و اصلاح نظام نظارت بانکی منوط

به توقف دارایی‌های منجمد و شناسایی سودهای موهوم است.

واگرایی برین رشد نقدینگی و تورم به وجود آمده و ناترازی تراز نظام بانکی ناشی از دارایی‌های منجمد و سودهای موهوم است که باعث شده کیفیت نقدینگی تغییر کند و پیامد آن تغییر نسبت پول به شبه‌پول است.

وی ادامه داد: ناترازی تران‌نامه نظام بانکی از مسیر نرخ سود موجب افزایش نقدینگی شده و کاهش تورم را به دنبال داشته است.

مدیر امور پژوهشی پژوهشکده پولی و بانکی تأکید کرد: شتاب رشد بدهی‌ها ناشی از نرخ سود بالا بوده و اصلاح نظام نظارت بانکی منوط به توقف دارایی‌های منجمد و شناسایی سودهای موهوم است.

واگرایی برین رشد نقدینگی و تورم به وجود آمده و ناترازی تراز نظام بانکی ناشی از دارایی‌های منجمد و سودهای موهوم است که باعث شده کیفیت نقدینگی تغییر کند و پیامد آن تغییر نسبت پول به شبه‌پول است.
وی ادامه داد: ناترازی تران‌نامه نظام بانکی از مسیر نرخ سود موجب افزایش نقدینگی شده و کاهش تورم را به دنبال داشته است.

مدیر امور پژوهشی پژوهشکده پولی و بانکی تأکید کرد: شتاب رشد بدهی‌ها ناشی از نرخ سود بالا بوده و اصلاح نظام نظارت بانکی منوط به توقف دارایی‌های منجمد و شناسایی سودهای موهوم است.

واگرایی برین رشد نقدینگی و تورم به وجود آمده و ناترازی تراز نظام بانکی ناشی از دارایی‌های منجمد و سودهای موهوم است که باعث شده کیفیت نقدینگی تغییر کند و پیامد آن تغییر نسبت پول به شبه‌پول است.

واگرایی برین رشد نقدینگی و تورم به وجود آمده و ناترازی تراز نظام بانکی ناشی از دارایی‌های منجمد و سودهای موهوم است که باعث شده کیفیت نقدینگی تغییر کند و پیامد آن تغییر نسبت پول به شبه‌پول است.
وی ادامه داد: ناترازی تران‌نامه نظام بانکی از مسیر نرخ سود موجب افزایش نقدینگی شده و کاهش تورم را به دنبال داشته است.

واگرایی برین رشد نقدینگی و تورم به وجود آمده و ناترازی تراز نظام بانکی ناشی از دارایی‌های منجمد و سودهای موهوم است که باعث شده کیفیت نقدینگی تغییر کند و پیامد آن تغییر نسبت پول به شبه‌پول است.
وی ادامه داد: ناترازی تران‌نامه نظام بانکی از مسیر نرخ سود موجب افزایش نقدینگی شده و کاهش تورم را به دنبال داشته است.

واگرایی برین رشد نقدینگی و تورم به وجود آمده و ناترازی تراز نظام بانکی ناشی از دارایی‌های منجمد و سودهای موهوم است که باعث شده کیفیت نقدینگی تغییر کند و پیامد آن تغییر نسبت پول به شبه‌پول است.

واگرایی برین رشد نقدینگی و تورم به وجود آمده و ناترازی تراز نظام بانکی ناشی از دارایی‌های منجمد و سودهای موهوم است که باعث شده کیفیت نقدینگی تغییر کند و پیامد آن تغییر نسبت پول به شبه‌پول است.

واگرایی برین رشد نقدینگی و تورم به وجود آمده و ناترازی تراز نظام بانکی ناشی از دارایی‌های منجمد و سودهای موهوم است که باعث شده کیفیت نقدینگی تغییر کند و پیامد آن تغییر نسبت پول به شبه‌پول است.

واگرایی برین رشد نقدینگی و تورم به وجود آمده و ناترازی تراز نظام بانکی ناشی از دارایی‌های منجمد و سودهای موهوم است که باعث شده کیفیت نقدینگی تغییر کند و پیامد آن تغییر نسبت پول به شبه‌پول است.

واگرایی برین رشد نقدینگی و تورم به وجود آمده و ناترازی تراز نظام بانکی ناشی از دارایی‌های منجمد و سودهای موهوم است که باعث شده کیفیت نقدینگی تغییر کند و پیامد آن تغییر نسبت پول به شبه‌پول است.

واگرایی برین رشد نقدینگی و تورم به وجود آمده و ناترازی تراز نظام بانکی ناشی از دارایی‌های منجمد و سودهای موهوم است که باعث شده کیفیت نقدینگی تغییر کند و پیامد آن تغییر نسبت پول به شبه‌پول است.
واگرایی برین رشد نقدینگی و تورم به وجود آمده و ناترازی تراز نظام بانکی ناشی از دارایی‌های منجمد و سودهای موهوم است که باعث شده کیفیت نقدینگی تغییر کند و پیامد آن تغییر نسبت پول به شبه‌پول است.
واگرایی برین رشد نقدینگی و تورم به وجود آمده و ناترازی تراز نظام بانکی ناشی از دارایی‌های منجمد و سودهای موهوم است که باعث شده کیفیت نقدینگی تغییر کند و پیامد آن تغییر نسبت پول به شبه‌پول است.

واگرایی برین رشد نقدینگی و تورم به وجود آمده و ناترازی تراز نظام بانکی ناشی از دارایی‌های منجمد و سودهای موهوم است که باعث شده کیفیت نقدینگی تغییر کند و پیامد آن تغییر نسبت پول به شبه‌پول است.
واگرایی برین رشد نقدینگی و تورم به وجود آمده و ناترازی تراز نظام بانکی ناشی از دارایی‌های منجمد و سودهای موهوم است که باعث شده کیفیت نقدینگی تغییر کند و پیامد آن تغییر نسبت پول به شبه‌پول است.

واگرایی برین رشد نقدینگی و تورم به وجود آمده و ناترازی تراز نظام بانکی ناشی از دارایی‌های منجمد و سودهای موهوم است که باعث شده کیفیت نقدینگی تغییر کند و پیامد آن تغییر نسبت پول به شبه‌پول است.
واگرایی برین رشد نقدینگی و تورم به وجود آمده و ناترازی تراز نظام بانکی ناشی از دارایی‌های منجمد و سودهای موهوم است که باعث شده کیفیت نقدینگی تغییر کند و پیامد آن تغییر نسبت پول به شبه‌پول است.

واگرایی برین رشد نقدینگی و تورم به وجود آمده و ناترازی تراز نظام بانکی ناشی از دارایی‌های منجمد و سودهای موهوم است که باعث شده کیفیت نقدینگی تغییر کند و پیامد آن تغییر نسبت پول به شبه‌پول است.

واگرایی برین رشد نقدینگی و تورم به وجود آمده و ناترازی تراز نظام بانکی ناشی از دارایی‌های منجمد و سودهای موهوم است که باعث شده کیفیت نقدینگی تغییر کند و پیامد آن تغییر نسبت پول به شبه‌پول است.

واگرایی برین رشد نقدینگی و تورم به وجود آمده و ناترازی تراز نظام بانکی ناشی از دارایی‌های منجمد و سودهای موهوم است که باعث شده کیفیت نقدینگی تغییر کند و پیامد آن تغییر نسبت پول به شبه‌پول است.

واگرایی برین رشد نقدینگی و تورم به وجود آمده و ناترازی تراز نظام بانکی ناشی از دارایی‌های منجمد و سودهای موهوم است که باعث شده کیفیت نقدینگی تغییر کند و پیامد آن تغییر نسبت پول به شبه‌پول است.

واگرایی برین رشد نقدینگی و تورم به وجود آمده و ناترازی تراز نظام بانکی ناشی از دارایی‌های منجمد و سودهای موهوم است که باعث شده کیفیت نقدینگی تغییر کند و پیامد آن تغییر نسبت پول به شبه‌پول است.

واگرایی برین رشد نقدینگی و تورم به وجود آمده و ناترازی تراز نظام بانکی ناشی از دارایی‌های منجمد و سودهای موهوم است که باعث شده کیفیت نقدینگی تغییر کند و پیامد آن تغییر نسبت پول به شبه‌پول است.

واگرایی برین رشد نقدینگی و تورم به وجود آمده و ناترازی تراز نظام بانکی ناشی از دارایی‌های منجمد و سودهای موهوم است که باعث شده کیفیت نقدینگی تغییر کند و پیامد آن تغییر نسبت پول به شبه‌پول است.

روزنامه جوان | شماره ۵۱۲۶ | یکشنبه ۱۱ تیر ۱۳۹۶ | ۷ شوال ۱۴۲۸ |

سرویس اقتصادی ۸۸۴۹۸۴۳۹

اگرایی برین رشد نقدینگی و تورم به وجود آمده و ناترازی تراز نظام بانکی ناشی از دارایی‌های منجمد و سودهای موهوم است که باعث شده کیفیت نقدینگی تغییر کند و پیامد آن تغییر نسبت پول به شبه‌پول است.

واگرایی برین رشد نقدینگی و تورم به وجود آمده و ناترازی تراز نظام بانکی ناشی از دارایی‌های منجمد و سودهای موهوم است که باعث شده کیفیت نقدینگی تغییر کند و پیامد آن تغییر نسبت پول به شبه‌پول است.

واگرایی برین رشد نقدینگی و تورم به وجود آمده و ناترازی تراز نظام بانکی ناشی از دارایی‌های منجمد و سودهای موهوم است که باعث شده کیفیت نقدینگی تغییر کند و پیامد آن تغییر نسبت پول به شبه‌پول است.

واگرایی برین رشد نقدینگی و تورم به وجود آمده و ناترازی تراز نظام بانکی ناشی از دارایی‌های منجمد و سودهای موهوم است که باعث شده کیفیت نقدینگی تغییر کند و پیامد آن تغییر نسبت پول به شبه‌پول است.

واگرایی برین رشد نقدینگی و تورم به وجود آمده و ناترازی تراز نظام بانکی ناشی از دارایی‌های منجمد و سودهای موهوم است که باعث شده کیفیت نقدینگی تغییر کند و پیامد آن تغییر نسبت پول به شبه‌پول است.

واگرایی برین رشد نقدینگی و تورم به وجود آمده و ناترازی تراز نظام بانکی ناشی از دارایی‌های منجمد و سودهای موهوم است که باعث شده کیفیت نقدینگی تغییر کند و پیامد آن تغییر نسبت پول به شبه‌پول است.

واگرایی برین رشد نقدینگی و تورم به وجود آمده و ناترازی تراز نظام بانکی ناشی از دارایی‌های منجمد و سودهای موهوم است که باعث شده کیفیت نقدینگی تغییر کند و پیامد آن تغییر نسبت پول به شبه‌پول است.

واگرایی برین رشد نقدینگی و تورم به وجود آمده و ناترازی تراز نظام بانکی ناشی از دارایی‌های منجمد و سودهای موهوم است که باعث شده کیفیت نقدینگی تغییر کند و پیامد آن تغییر نسبت پول به شبه‌پول است.

واگرایی برین رشد نقدینگی و تورم به وجود آمده و ناترازی تراز نظام بانکی ناشی از دارایی‌های منجمد و سودهای موهوم است که باعث شده کیفیت نقدینگی تغییر کند و پیامد آن تغییر نسبت پول به شبه‌پول است.

واگرایی برین رشد نقدینگی و تورم به وجود آمده و ناترازی تراز نظام بانکی ناشی از دارایی‌های منجمد و سودهای موهوم است که باعث شده کیفیت نقدینگی تغییر کند و پیامد آن تغییر نسبت پول به شبه‌پول است.

واگرایی برین رشد نقدینگی و تورم به وجود آمده و ناترازی تراز نظام بانکی ناشی از دارایی‌های منجمد و سودهای موهوم است که باعث شده کیفیت نقدینگی تغییر کند و پیامد آن تغییر نسبت پول به شبه‌پول است.

واگرایی برین رشد نقدینگی و تورم به وجود آمده و ناترازی تراز نظام بانکی ناشی از دارایی‌های منجمد و سودهای موهوم است که باعث شده کیفیت نقدینگی تغییر کند و پیامد آن تغییر نسبت پول به شبه‌پول است.

واگرایی برین رشد نقدینگی و تورم به وجود آمده و ناترازی تراز نظام بانکی ناشی از دارایی‌های منجمد و سودهای موهوم است که باعث شده کیفیت نقدینگی تغییر کند و پیامد آن تغییر نسبت پول به شبه‌پول است.

واگرایی برین رشد نقدینگی و تورم به وجود آمده و ناترازی تراز نظام بانکی ناشی از دارایی‌های منجمد و سودهای موهوم است که باعث شده کیفیت نقدینگی تغییر کند و پیامد آن تغییر نسبت پول به شبه‌پول است.

واگرایی برین رشد نقدینگی و تورم به وجود آمده و ناترازی تراز نظام بانکی ناشی از دارایی‌های منجمد و سودهای موهوم است که باعث شده کیفیت نقدینگی تغییر کند و پیامد آن تغییر نسبت پول به شبه‌پول است.

واگرایی برین رشد نقدینگی و تورم به وجود آمده و ناترازی تراز نظام بانکی ناشی از دارایی‌های منجمد و سودهای موهوم است که باعث شده کیفیت نقدینگی تغییر کند و پیامد آن تغییر نسبت پول به شبه‌پول است.

واگرایی برین رشد نقدینگی و تورم به وجود آمده و ناترازی تراز نظام بانکی ناشی از دارایی‌های منجمد و سودهای موهوم است که باعث شده کیفیت نقدینگی تغییر کند و پیامد آن تغییر نسبت پول به شبه‌پول است.

واگرایی برین رشد نقدینگی و تورم به وجود آمده و ناترازی تراز نظام بانکی ناشی از دارایی‌های منجمد و سودهای موهوم است که باعث شده کیفیت نقدینگی تغییر کند و پیامد آن تغییر نسبت پول به شبه‌پول است.

واگرایی برین رشد نقدینگی و تورم به وجود آمده و ناترازی تراز نظام بانکی ناشی از دارایی‌های منجمد و سودهای موهوم است که باعث شده کیفیت نقدینگی تغییر کند و پیامد آن تغییر نسبت پول به شبه‌پول است.

واگرایی برین رشد نقدینگی و تورم به وجود آمده و ناترازی تراز نظام بانکی ناشی از دارایی‌های منجمد و سودهای موهوم است که باعث شده کیفیت نقدینگی تغییر کند و پیامد آن تغییر نسبت پول به شبه‌پول است.

واگرایی برین رشد نقدینگی و تورم به وجود آمده و ناترازی تراز نظام بانکی ناشی از دارایی‌های منجمد و سودهای موهوم است که باعث شده کیفیت نقدینگی تغییر کند و پیامد آن تغییر نسبت پول به شبه‌پول است.

واگرایی برین رشد نقدینگی و تورم به وجود آمده و ناترازی تراز نظام بانکی ناشی از دارایی‌های منجمد و سودهای موهوم است که باعث شده کیفیت نقدینگی تغییر کند و پیامد آن تغییر نسبت پول به شبه‌پول است.

واگرایی برین رشد نقدینگی و تورم به وجود آمده و ناترازی تراز نظام بانکی ناشی از دارایی‌های منجمد و سودهای موهوم است که باعث شده کیفیت نقدینگی تغییر کند و پیامد آن تغییر نسبت پول به شبه‌پول است.

واگرایی برین رشد نقدینگی و تورم به وجود آمده و ناترازی تراز نظام بانکی ناشی از دارایی‌های منجمد و سودهای موهوم است که باعث شده کیفیت نقدینگی تغییر کند و پیامد آن تغییر نسبت پول به شبه‌پول است.

واگرایی برین رشد نقدینگی و تورم به وجود آمده و ناترازی تراز نظام بانکی ناشی از دارایی‌های منجمد و سودهای موهوم است که باعث شده کیفیت نقدینگی تغییر کند و پیامد آن تغییر نسبت پول به شبه‌پول است.

واگرایی برین رشد نقدینگی و تورم به وجود آمده و ناترازی تراز نظام بانکی ناشی از دارایی‌های منجمد و سودهای موهوم است که باعث شده کیفیت نقدینگی تغییر کند و پیامد آن تغییر نسبت پول به شبه‌پول است.

واگرایی برین رشد نقدینگی و تورم به وجود آمده و ناترازی تراز نظام بانکی ناشی از دارایی‌های منجمد و سودهای موهوم است که باعث شده کیفیت نقدینگی تغییر کند و پیامد آن تغییر نسبت پول به شبه‌پول است.

واگرایی برین رشد نقدینگی و تورم به وجود آمده و ناترازی تراز نظام بانکی ناشی از دارایی‌های منجمد و سودهای موهوم است که باعث شده کیفیت نقدینگی تغییر کند و پیامد آن تغییر نسبت پول به شبه‌پول است.

واگرایی برین رشد نقدینگی و تورم به وجود آمده و ناترازی تراز نظام بانکی ناشی از دارایی‌های منجمد و سودهای موهوم است که باعث شده کیفیت نقدینگی تغییر کند و پیامد آن تغییر نسبت پول به شبه‌پول است.

واگرایی برین رشد نقدینگی و تورم به وجود آمده و ناترازی تراز نظام بانکی ناشی از دارایی‌های منجمد و سودهای موهوم است که باعث شده کیفیت نقدینگی تغییر کند و پیامد آن تغییر نسبت پول به شبه‌پول است.

واگرایی برین رشد نقدینگی و تورم به وجود آمده و ناترازی تراز نظام بانکی ناشی از دارایی‌های منجمد و سودهای موهوم است که باعث شده کیفیت نقدینگی تغییر کند و پیامد آن تغییر نسبت پول به شبه‌پول است.

واگرایی برین رشد نقدینگی و تورم به وجود آمده و ناترازی تراز نظام بانکی ناشی از دارایی‌های منجمد و سودهای موهوم است که باعث شده کیفیت نقدینگی تغییر کند و پیامد آن تغییر نسبت پول به شبه‌پول است.

واگرایی برین رشد نقدینگی و تورم به وجود آمده و ناترازی تراز نظام بانکی ناشی از دارایی‌های منجمد و سودهای موهوم است که باعث شده کیفیت نقدینگی تغییر کند و پیامد آن تغییر نسبت پول به شبه‌پول است.

واگرایی برین رشد نقدینگی و تورم به وجود آمده و ناترازی تراز نظام بانکی ناشی از دارایی‌های منجمد و سودهای موهوم است که باعث شده کیفیت نقدینگی تغییر کند و پیامد آن تغییر نسبت پول به شبه‌پول است.

واگرایی برین رشد نقدینگی و تورم به وجود آمده و ناترازی تراز نظام بانکی ناشی از دارایی‌های منجمد و سودهای موهوم است که باعث شده کیفیت نقدینگی تغییر کند و پیامد آن تغییر نسبت پول به شبه‌پول است.

واگرایی برین رشد نقدینگی و تورم به وجود آمده و ناترازی تراز نظام بانکی ناشی از دارایی‌های منجمد و سودهای موهوم است که باعث شده کیفیت نقدینگی تغییر کند و پیامد آن تغییر نسبت پول به شبه‌پول است.

واگرایی برین رشد نقدینگی و تورم به وجود آمده و ناترازی تراز نظام بانکی ناشی از دارایی‌های منجمد و سودهای موهوم است که باعث شده کیفیت نقدینگی تغییر کند و پیامد آن تغییر نسبت پول به شبه‌پول است.

واگرایی برین رشد نقدینگی و تورم به وجود آمده و ناترازی تراز نظام بانکی ناشی از دارایی‌های منجمد و سودهای موهوم است که باعث شده کیفیت نقدینگی تغییر کند و پیامد آن تغییر نسبت پول به شبه‌پول است.

واگرایی برین رشد نقدینگی و تورم به وجود آمده و ناترازی تراز نظام بانکی ناشی از دارایی‌های منجمد و سودهای موهوم است که باعث شده کیفیت نقدینگی تغییر کند و پیامد آن تغییر نسبت پول به شبه‌پول است.

واگرایی برین رشد نقدینگی و تورم به وجود آمده و ناترازی تراز نظام بانکی ناشی از دارایی‌های منجمد و سودهای موهوم است که باعث شده کیفیت نقدینگی تغییر کند و پیامد آن تغییر نسبت پول به شبه‌پول است.

واگرایی برین رشد نقدینگی و تورم به وجود آمده و ناترازی تراز نظام بانکی ناشی از دارایی‌های منجمد و سودهای موهوم است که باعث شده کیفیت نقدینگی تغییر کند و پیامد آن تغییر نسبت پول به شبه‌پول است.

واگرایی برین رشد نقدینگی و تورم به وجود آمده و ناترازی تراز نظام بانکی ناشی از دارایی‌های منجمد و سودهای موهوم است که باعث شده کیفیت نقدینگی تغییر کند و پیامد آن تغییر نسبت پول به شبه‌پول است.

واگرایی برین رشد نقدینگی و تورم به وجود آمده و ناترازی تراز نظام بانکی ناشی از دارایی‌های منجمد و سودهای موهوم است که باعث شده کیفیت نقدینگی تغییر کند و پیامد آن تغییر نسبت پول به شبه‌پول است.

واگرایی برین رشد نقدینگی و تورم به وجود آمده و ناترازی تراز نظام بانکی ناشی از دارایی‌های منجمد و سودهای موهوم است که باعث شده کیفیت نقدینگی تغییر کند و پیامد آن تغییر نسبت پول به شبه‌پول است.

واگرایی برین رشد نقدینگی و تورم به وجود آمده و ناترازی تراز نظام بانکی ناشی از دارایی‌های منجمد و سودهای موهوم است که باعث شده کیفیت نقدینگی تغییر کند و پیامد آن تغییر نسبت پول به شبه‌پول است.

واگرایی برین رشد نقدینگی و تورم به وجود آمده و ناترازی تراز نظام بانکی ناشی از دارایی‌های منجمد و سودهای موهوم است که باعث شده کیفیت نقدینگی تغییر کند و پیامد آن تغییر نسبت پول به شبه‌پول است.

واگرایی برین رشد نقدینگی و تورم به وجود آمده و ناترازی تراز نظام بانکی ناشی از دارایی‌های منجمد و سودهای موهوم است که باعث شده کیفیت نقدینگی تغییر کند و پیامد آن تغییر نسبت پول به شبه‌پول است.

واگرایی برین رشد نقدینگی و تورم به وجود آمده و ناترازی تراز نظام بانکی ناشی از دارایی‌های منجمد و سودهای موهوم است که باعث شده کیفیت نقدینگی تغییر کند و پیامد آن تغییر نسبت پول به شبه‌پول است.

واگرایی برین رشد نقدینگی و تورم به وجود آمده و ناترازی تراز نظام بانکی ناشی از دارایی‌های منجمد و سودهای موهوم است که باعث شده کیفیت نقدینگی تغییر کند و پیامد آن تغییر نسبت پول به شبه‌پول است.

واگرایی برین رشد نقدینگی و تورم به وجود آمده و ناترازی تراز نظام بانکی ناشی از دارایی‌های منجمد و سودهای موهوم است که باعث شده کیفیت نقدینگی تغییر کند و پیامد آن تغییر نسبت پول به شبه‌پول است.

واگرایی برین رشد نقدینگی و تورم به وجود آمده و ناترازی تراز نظام بانکی ناشی از دارایی‌های منجمد و سودهای موهوم است که باعث شده کیفیت نقدینگی تغییر کند و پیامد آن تغییر نسبت پول به شبه‌پول است.



قائم مقام بانک مرکزی

نیز در حاشیه این همایش بار دیگر بر محورهای ده‌گانه اصلاح نظام بانکی اشاره کرد و گفت: طرح ادغام بانک‌ها یکی از محورهای ده‌گانه اصلاح نظام بانکی است و ما این ۱